



Volume 2, Issue 3, 2022

Protection of Civilians in Armed Conflicts in Jurisprudence and International Criminal Law

Mohammad Masoudinia *¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences and Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 113-127

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-0225-9409

TELL: +989141147266

Email: masoudinia@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 29 Jul 2022

Revised: 16 Aug 2022

Accepted: 08 Sep 2022

Published online: 23 Sep 2022

Keywords:

Civilians,
Armed Conflicts,
Humanitarian Rights,
Principle of Separation,
Women,
Children.

ABSTRACT

Supporting civilians in armed conflicts is one of the important issues that has always been the subject of debate. This article examines the approach of jurisprudence and international criminal law in protecting civilians in armed conflict. The current article is descriptive and analytical and the mentioned question by using the library method has investigated. The findings of the article indicate that the protection of civilians and the necessity of separation between military and civilian forces is one of the fundamental principles of humanitarian rights in international law. The guarantee of protection of civilians against attacks, creating fear and panic among the civilian population and using poisonous and mass killing weapons are prohibited and to take precautionary measures in military attacks in order to protect the lives of civilians is necessary. In Islam, the principle of separation of military personnel in armed conflicts is recognized. The basis of this principle is verse 190 of Surah Al-Baqarah, which according to the clear implication of this verse, war is reserved for those who are actually in fighting engaged. In international humanitarian law, civilians in general and especially children and women are protected. In Islam, people such as women, children and the elderly who are not actually soldiers are supported. As a result, the protection of civilians both in religious teachings and in international humanitarian law is emphasized.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Masoudinia, M (2022). "Protection of Civilians in Armed Conflicts in Jurisprudence and International Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(3): 113-127.



مقدمه

حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ بخشی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و عرفی است که ضمن نظارت بر رفتار نیروهای متخاصم نسبت به غیرنظامیان اختیار طرفین درگیر در جنگ را در استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نظامی، محدود ساخته و از افرادی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از مخاصمات مسلحانه متأثر شده یا ممکن است متأثر شوند، حمایت می‌کند. پرواضح است که آگاهی از حقوق غیرنظامیان برای بسیاری از بازیگران درگیری‌های مسلحانه از قبیل نظامیان، مقامات دولتی، حاملین سلاح سازمان‌های بین‌المللی صلیب سرخ جهانی و هلال‌احمر و... بسیار سودمند است. همچنین تحقیق در این زمینه به کاهش ابهامات موجود در مورد اصول قواعد عرفی و بین‌المللی نسبت به غیرنظامیان در موارد مشکوک، یاری می‌رساند. تصویب و ساماندهی مقررات مربوط به حمایت از غیرنظامیان باوجود اینکه از لحاظ مفهوم و ماهیت حقوقی بین‌المللی ممکن است به‌ظاهر ابهام خاصی نداشته باشد اما در صحنه عمل، تولید فزاینده و روبه‌رشد تسلیحات نظامی مخصوص سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین رفتار غیرانسانی با افراد مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه موجب افزایش تلفات غیرنظامیان در دهه‌های اخیر شده است. از این‌رو بررسی ماهیت مقررات بین‌المللی در این زمینه و تأمل در مبانی فلسفی این قوانین، جهت حل این معضل ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر دغدغه نظام حقوقی اسلام نسبت به رفتار انسانی با اشخاص و حفظ کرامت ذاتی افراد، ایجاب می‌کند که رویکرد این نظام نیز در رابطه با حقوق غیرنظامیان در زمان جنگ بررسی شود. تبیین نگرش فقه اسلامی به روابط بین‌المللی به‌صورت ارائه قواعد و مقرراتی است که باید در روابط بین‌المللی حاکم باشند به آن دسته از قواعدی که شرع مقدس اسلام برای اجرا در سطح جامعه بین‌المللی ارائه نموده است صفت اسلامی داده می‌شود تا بدین‌وسیله قواعد فقهی اسلام از دیگر قواعد و مقررات متمایز باشد (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۲۰). در این مقاله تلاش شده به بررسی حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی پرداخته شود. پژوهش‌های متعددی در زمینه

مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه انجام شده است: مهدی فیروزی در مقاله‌ای به بررسی حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه پرداخته است (فیروزی، ۱۳۹۱). غلامعلی قاسمی و سجاد باقرزاده، نیز در مقاله‌ای، حقوق بشردوستانه و حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده‌اند (قاسمی و باقر زاده، ۱۳۹۲). همچنین ابوالفتح اخلاقی و حجت‌الله رشنوادی، در مقاله‌ای، حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند اخلاقی و رشنوادی، ۱۳۹۲). در مقاله حاضر اما به بررسی این سؤال مهم پرداخته می‌شود که حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی چه جایگاهی دارد؟ به عبارت دقیق‌تر، رویکرد فقه و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حمایت از غیرنظامیان چگونه است؟ اصول حاکم در خصوص حمایت از غیرنظامیان چیست و چه اقشاری از غیرنظامیان مورد حمایت ویژه قرار دارند؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، مفهوم غیرنظامی و مخاصمات مسلحانه بررسی شده و در ادامه ابتدا از رویکرد حقوق بشردوستانه و فقه و همچنین فقه نسبت به حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بحث شده است.

۱- مفاهیم

۱-۱- غیرنظامی

از نظر اسلام جنگ و پیکار تنها با کسانی مجاز است که عملاً درگیر جنگ هستند. این دستور صریح قرآن کریم است که «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد» (بقره/۱۹۰). بنابراین از نظر اسلام افراد غیرنظامی کسانی هستند که نقش فعالی در مخاصمه ندارند «و به لحاظ اینکه در جنگ شرک ندارند غیر رزمنده محسوب شده و حقوق آنان محترم شمرده می‌شود. به عبارتی رزمنده کسی است که توان جنگیدن داشته باشد» (السرخسی، ۱۴۱۷: ۷۸/۴). طبق این تعریف کسانی که توانایی بر جنگ ندارند مانند مجروحان پیرمردان، زنان و کودکان و یا کسانی که تسلیم می‌شوند نظیر (اسیران)

جنگی مورد حمایت قرار می‌گیرند و رزمندگان حق تعرض به آنان را ندارند.

این تعریف با آنچه در حقوق بین‌الملل آمده است متفاوت می‌باشد چراکه در حقوق بین‌الملل کلیه اعضای نیروهای نظامی طرف‌های مخاصمه به‌استثنای کارکنان بهداری و مذهبی رزمنده محسوب می‌گردند. بنابراین غیرنظامی کسی است که عضو نیروهای مسلح یک‌طرف مخاصمه نباشد (آنتونی و مارب، ۱۳۸۲: ۵۳).

برای درک بهتر معنای «افراد» یا «جمعیت غیرنظامی» باید به پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷^۱ مراجعه کرد (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱: ۲۱۵) چراکه با این پروتکل بود که تعریف جامعی از افراد و جمعیت غیرنظامی به دست آمد و در آن تعهدات حقوقی روشنی در خصوص رعایت اصل تفکیک و منع حمله به غیرنظامیان معین شد. ماده ۵۰ این پروتکل در تعریف غیرنظامی چنین مقرر می‌دارد افرادی غیرنظامی محسوب می‌شوند که در زمره هیچ‌یک از طبقه‌بندی‌های مربوط به نیروهای مسلح مقرر در بندهای (۱)، (۲)، (۳) (۶) از ماده ۴ کنوانسیون سوّم مربوط به اسیران جنگی و ماده ۴۳ پروتکل حاضر جای نگیرند. طبق این تعریف از فرد غیرنظامی می‌توان گفت غیرنظامی کسی است که به هیچ‌یک از انواع مختلف رزمندگان نیروی زمینی هوایی دریایی و ... تعلّق نداشته باشد و در درگیری‌های مسلحانه مشارکت نداشته باشد (شیایزری و ساک، ۱۳۸۳: ۲۹۵). البته این را هم باید متذکر شد که چنانچه ممنوعیت حمله به گروه‌هایی چون خبرنگاران نظامی، کارکنان نظامی واحدهای بهداری، متصدیان امور مذهبی که عضو نیروهای مسلح هستند و نیز نیروهای پاسدار صلح که - بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد - در عملیات نظامی شرکت ندارند را بر محدوده حمایت از غیرنظامیان اضافه کنیم، جامعیت لازم برای تحقق هدف حمایت از همه غیرنظامیان قابل تصوّر می‌باشد.

از سوی دیگر بند ۲ ماده ۵۰ پروتکل الحاقی اول، به دو نکته مهم تصریح می‌کند که بسیار حائز اهمیت است اول آنکه در

موارد مشکوکی که نمی‌دانیم فردی رزمنده است یا غیرنظامی، باید اصل را بر غیرنظامی بودن آن فرد قرارداد. به عبارت دیگر این ماده واژه «شهروندان غیرنظامی» را شامل حال همه افراد غیرنظامی می‌داند و بیان می‌دارد چنانچه شک و تردیدی بروز کند باید فرض برخورداری از صفت شهروندی را ارجح دانست.

بنابراین با در نظر گرفتن صدمات و آسیب‌هایی که به یک غیرنظامی ممکن است در نتیجه محرومیت از حمایت‌های پیش‌بینی‌شده در عهدنامه چهارم و پروتکل اول، وارد آید، رزمندگان تنها زمانی می‌توانند بر روی افراد مشکوک آتش بکشایند که اطمینان یابند آن افراد نظامی بوده و در مخاصمه شرکت مؤثر داشته‌اند.

۱-۲- مخاصمه مسلحانه

هر مخاصمه مسلحانه‌ای دو عنصر اساسی دارد: عنصر نخست طرفین مخاصمه هستند که بایستی ماهیت آن‌ها معلوم و مشخص باشد و عبارت‌اند از دولت‌ها و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا یکی از طرفین دولت و طرف مقابل، گروه‌های مسلح مخالف دولت می‌باشند. دو وضعیت اخیرالذکر معمولاً در قلمرو داخلی دولت اتفاق می‌افتد. دومین عنصر مخاصمات مسلحانه توسل به قوای مسلح می‌باشد. عملیات نظامی به‌وسیله قوای مسلح طرفین درگیر صورت می‌گیرد که نتیجه آن لطمه زدن به دشمن است (شفیعی و هنجی، ۱۳۹۲: ۱۵). فلذا مخاصمات مسلحانه مخاصماتی هستند که در آن‌ها طرفین درگیر، به قوای مسلح متوسل می‌شوند. حقوق بین‌الملل حداقل بین وضعیت‌های درگیری مسلحانه داخلی و بین‌المللی تمایز قائل شده و هر یک از آن‌ها را تابع یک سلسله هنجارهای حقوقی دانسته است. از همین‌رو مهم‌ترین تقسیم‌بندی مخاصمات مسلحانه، شامل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه داخلی است.

مخاصمه مسلحانه داخلی مخاصمه‌ای است که در داخل سرزمین یک دولت رخ داده و نیروهای مسلح دولت دیگر در عملیات نظامی شرکت نداشته باشند. به دیگر سخن، اصطلاح مخاصمه مسلحانه داخلی، به درگیری‌های مسلحانه‌ای گفته می‌شود که نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان درگیری‌های مسلحانه

^۱ - Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949.

علاوه بر آن، اغلب ضمانت‌های حقوق بشری نیز در این وضعیت‌ها قابل اعمال باقی می‌مانند.

۲- حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در حقوق بشردوستانه

طبق اصول حقوق بشردوستانه اسلامی افراد غیرنظامی از خطر مخاصمات مسلحانه و عملیات بین نظامی مصون هستند.

در نظام حقوق بشر دوستانه اصل تمایز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حمایتی حاکم بر حقوق بشردوستانه مورد شناسایی قرار گرفته است. یکی از اصول انسانی حاکم بر جنگ آن است که بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک به‌عمل آمده و افراد و جمعیت غیرنظامی موردتهاجم قرار نگیرند (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳). در مقدمه بیانیه ۱۸۶۸ سن‌پترزبورگ آمده است: «تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند، آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف کنند» (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۲/۱) تا این‌که به‌تدریج اصل تفکیک و تمایز غیرنظامیان از نظامیان، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

مقررات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه نیز به‌طور ابتدایی و ناقص حمایت از افراد عادی را موردپذیرش قرار داده‌اند اما کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ به‌طور آشکارا بین افراد عادی و نظامی تمایز قائل شده و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷) مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی نیز صریحاً در ماده ۴۸، حمایت از افراد عادی را توسعه داده است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۴). ماده مورد اشاره مقرر کرده است که «به‌منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی، طرف‌های مخاصمه باید همواره بین سکنه غیرنظامی و نظامیان و نیز بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی تمایز قائل شده و عملیات خود را فقط متوجه اهداف نظامی نمایند. به‌این‌ترتیب رعایت اصل تمایز علاوه‌بر حمایت از افراد بشری (غیرنظامیان) شامل حمایت از اموال آن‌ها نیز می‌شود.» همچنین، مطابق ماده ۵۰ پروتکل اول «حتی در موارد شک در غیرنظامی بودن فردی باید او را غیرنظامی محسوب نمود». علاوه بر این، بر اساس ماده ۵۱ پروتکل مورد اشاره،

بین‌المللی یا جنگ‌های نهضت‌های آزادی‌بخش ملی مرتبط دانست (آنتونی و مالرب، ۱۳۸۸: ۴۴). مهم‌ترین منابع حاکم بر این نوع مخاصمات علاوه‌بر قواعد عرفی بشردوستانه، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ است (شفیعی و هنجی، ۱۳۹۲: ۴۳). در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه تعاریف مختلفی از مخاصمه داخلی شده است. در صدر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ بیان شده است که چنانچه مخاصمه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در قلمرو یکی از دولت‌های متعاقد روی دهد، هر یک از طرفین متخاصم مکلف است لااقل مقررات زیر را اجرا کند ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز تعریفی مضیق و محدود از مخاصمه داخلی ارائه کرده است: درگیری‌های مسلحانه داخلی باید در قلمرو یک دولت معظم متعاقد بین نیروهای مسلح آن و نیروهای مسلح مخالف یا سایر گروه‌های مسلح سامان‌یافته‌ای که تحت اوامر فرمانده‌ای مسؤول، قادر به اعمال کنترل خویش بر بخشی از قلمرو آن بوده به‌گونه‌ای که آن‌ها را به انجام عملیات نظامی پیوسته و متمرکز و اجرای (پروتکل دوم) قادر سازد، انجام شود.

در خصوص مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد: «علاوه‌بر مقرراتی که باید در زمان صلح به‌موقع اجرا گذاشته شود، کنوانسیون حاضر در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام‌شده باشد و یا هر نوع مخاصمه مسلحانه‌ای که بین دو یا چند دولت معظم متعاقد بروز نماید اجرا خواهد شد ولو اینکه یکی از دول مزبور وجود چنین مخاصمه‌ای را تصدیق نمایند این کنوانسیون در هر مورد که تمام و یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاقد اشغال نشود نیز مجری است حتی اگر این اشغال با هیچ‌گونه مقاومت نظامی مواجهه نگردد.»

اصطلاح مخاصمه مسلحانه بین‌المللی بر وضعیت‌هایی دلالت دارد که دو یا چند دولت در یک درگیری مسلحانه شرکت داشته باشند. در این وضعیت‌ها مقررات اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه به‌ویژه مقررات مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، اعمال خواهد شد (فریمن، ۱۳۸۳: ۳۸).

«حتی تهدیدهای خشونت‌آمیز که هدف اصلی آن ایجاد وحشت در میان سکنه غیرنظامی است را ممنوع شمرده است»^۱.

اهمیت رعایت اصل تمایز بین غیرنظامیان و نظامیان و همچنین میان اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی به‌اندازه‌ای است که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶ بر این امر تأکید کرده که «دولت‌ها حق ندارند غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند و در نتیجه هرگز نباید سلاح‌هایی را به‌کارگیرند که قادر به تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند».

تا قبل از سال ۱۹۴۹، درحالی‌که نظامیان تحت پوشش عهدنامه‌های ژنو قرار داشتند، غیرنظامیان از هرگونه حمایت حقوقی محروم بودند به‌طوری‌که به‌خصوص طی دو جنگ جهانی، در عمل، اتباع غیرنظامی، دشمن آماج هر نوع تجاوز و تعدی قرار داشتند. اما با انعقاد کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ اتباع دشمن از حیث فردی، تحت حمایت شدید حقوقی قرار گرفتند و عنوان شخص حمایت‌شد را یافتند (ماندگار، ۱۳۸۹: ۴۶). مطابق پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد درباره حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه، کودکان باید مورد احترام بوده و در مقابل هرگونه و شکل از حمله موردحمایت هستند.

۲-۱- اصل تفکیک نظامیان از غیرنظامیان

مطابق قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، طرفین درگیر باید بین افراد غیرنظامی و رزمندگان تفکیک قائل شوند. حملات فقط می‌تواند علیه رزمندگان انجام شود و نباید به‌هیچ‌وجه افراد غیرنظامی هدف قرار بگیرند. مطابق ماده ۲۵ مقررات لاهه ۱۹۰۷: «حمله یا بمبارانی که به هر وسیله علیه شهرها، روستاها، منازل و یا ساختمان‌های بی‌دفاع صورت پذیرد ممنوع است». در حال حاضر این اصل حقوق عرفی قویاً و به‌طور شفاف در مواد ۴۸، ۵۱ (۲)، ۵۲ (۲) از پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ بیان شده و به شکل بارزی میزان حمایت از افراد عادی را گسترش داده است؛ به‌طوری‌که طرف‌های مخاصمه به‌منظور تضمین حمایت از جمعیت غیرنظامی باید در هر زمان میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان تفکیک قائل شوند

و عملیات خود را باید فقط علیه اهداف نظامی به جریان بیندازند (فلک و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۱). یکی از مواردی که بدون توجه به تفکیک و تمایز نظامیان از غیرنظامیان انجام می‌شود حملات کورکورانه است. حملات کورکورانه و بدون تفکیک حملاتی هستند که: «الف) متوجه اهداف نظامی خاصی نیستند. ب) از روش‌ها یا وسایلی استفاده می‌شود که امکان هدف‌گیری به‌سوی اهداف نظامی مشخص را برآورده نمی‌کنند. ج) از روش‌ها یا وسایلی استفاده می‌شود که امکان محدودیت اثر آن‌ها به‌نحوی که در مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه مقرر شده است، وجود ندارد». ممنوعیت حملات کور و بدون تفکیک در ماده ۵۱ (۴) از پروتکل الحاقی اول و نیز در ماده ۳ (۳) از پروتکل ۲ کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف و نیز در ماده ۳ (۸) پروتکل اصلاحی ۲ منضم به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف گنجانده شده است. این ممنوعیت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد تأکید مجدد قرار گرفته است.^۲ ممنوعیت جنگ کورکورانه و غیرقابل تفکیک احتمالاً مهم‌ترین شکل عینی اصل «جنگ محدود» است که مهم‌ترین نتیجه آن تغییر جهت‌گیری اساسی جنگ به‌سوی الزامات ضرورت نظامی است. امروزه رویه دولت‌ها، ممنوعیت استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان بدون تفکیک عمل می‌کنند را به‌منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل قابل اعمال می‌داند.

۲-۲- ممنوعیت وحشت در میان جمعیت غیرنظامی

یکی از قواعد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، ممنوعیت ترس و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی است. بر اساس ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو: «با غیرنظامیان باید همواره برخوردی انسانی صورت گیرد و به‌خصوص در برابر همه اقدامات خشونت‌بار یا تهدیدات ناشی از آن حمایت شوند». بر اساس بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو: «هر عملی که هدف آن ارباب یا ترساندن غیرنظامیان باشد ممنوع است ارباب یا ترساندن در صورتی هم که هدف اعلام‌شده از آن، ممانعت از مداخله جمعیت غیرنظامی در مخاصمات یا حتی در اعمال غیرقانونی باشد، ممنوع است. یا بنابراین مقامات یا نیروهای مسلح باید بر اساس کرامت انسانی و قواعد حقوقی، تدابیر دیگری

^۱ - بند ۲ ماده ۵۱.

^۲ - اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۸ (۲) (ب).

۲-۳- حمایت از غیرنظامیان در مقابل حملات

یکی دیگر از قواعد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، حمایت از غیرنظامیان در مقابل حملات نظامی است. مطابق این قاعده، غیرنظامیان چنانچه در مخاصمات مسلحانه مستقیماً شرکت نکنند، در مقابل حملات حمایت می‌شوند. به‌طور کلی یکی از استثناهای قاعده ممنوعیت حمله به افراد غیرنظامی، بسیج عمومی است که به‌موجب آن ساکنان کشوری که هنوز اشغال نشده است با نزدیک شدن دشمن به‌طور خودانگیخته و به‌منظور مقاومت در برابر نیروهای مهاجم و بدون اینکه وقت کافی برای سازمان‌دهی در قالب نیروهای مسلح را داشته باشند برای مقابله با سپاه متجاوز اسلحه به دست می‌گیرند. اگر چنین اشخاصی به‌طور آشکار اسلحه حمل کنند، رزمنده و نظامی محسوب می‌شوند (هنکرتز و دوسوالد، ۱۳۸۷: ۷۳/۱).

بدیهی است که قانونی بودن حمله به یک غیرنظامی بستگی بدان دارد که منظور از «شرکت مستقیم در درگیری» دقیقاً چه باشد و اینکه مبدأ و آغاز شرکت مستقیم در درگیری کجا است و چه موقع خاتمه می‌یابد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر بیان داشته که عبارت «شرکت مستقیم در درگیری» معمولاً به معنای «اعمالی است که به‌موجب ماهیت یا هدف عمل، به‌قصد آسیب رسانیدن به افراد و منابع دشمن ارتکاب می‌یابند» (هنکرتز و دوسوالد، ۱۳۸۷: ۸۸/۱). هنگامی که فرد غیرنظامی از اسلحه یا سایر وسایل برای ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز علیه نظامیان دشمن یا منابع و امکانات آنان استفاده کند، بدیهی است که حمایت در برابر حملات را از دست می‌دهد. همچنین این کمیسیون برای تمایز بین شرکت مستقیم و غیرمستقیم اظهار داشت: «غیرنظامیانی که فعالیت‌های آنان صرفاً پشتیبانی از یک طرف متخاصم است و فقط به‌صورت غیرمستقیم در درگیری‌ها شرکت دارند، نایستی رزمنده و نظامی محسوب شوند. شرکت غیرمستقیم، نظیر فروش کالا به یکی از طرفین متخاصمه و ابراز حمایت از آن طرف و یا حتی واضح‌تر از آن، عدم اقدام در ممانعت از تجاوز نظامی یکی از طرفین به معنای اقدامات خشونت‌آمیز، که بتواند تهدید مستقیم در ایراد واقعی به‌طرف دیگر باشد، تلقی نمی‌گردد.» (هنکرتز و دوسوالد، ۱۳۸۷: ۸۸/۱).

اتخاذ کنند تا امنیت عمومی تضمین شود». چراکه اعمال وحشت‌زا همواره کل جمعیت غیرنظامی را بدون هیچ‌گونه تفکیک بین متخلفان بالقوه و شهروندان صلح‌جو، به‌طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد (فلک و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۹۳).

بیش از ممنوعیت کلی مندرج در ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم، بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول در بردارنده قاعده‌ای است که اختصاصاً برای عملیات نظامی مقرر شده است؛ اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌بار که هدف اولیه آن گسترش رعب و وحشت بین جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع هستند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نیز در خصوص محکومیت اقدامات ارباب‌آمیز در میان غیرنظامیان چندین قطعنامه را تصویب رسانده است.^۱ پاره‌ای از اعمال خشونت‌آمیز که به‌منزله اعمال ممنوعه بر طبق این قاعده ذکر شده‌اند عبارت‌اند از: «گلوله‌باران بی‌هدف و وسیع»^۲ عملیات پشتیبانی باهدف گسترش ترس در میان غیرنظامیان، بمباران منظم شهرها^۳ و درعین‌حال تجاوز به عنف، آزار و شکنجه زنان و کودکان^۴ و کشتار جمعی» (هنکرتز و دوسوالد، ۱۳۸۷: ۷۳/۱). همچنین در دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی کیفرخواست‌های متعددی بر مبنای ارباب جمعیت غیرنظامی و در خصوص موارد آتش‌گشایی عمدی و بی‌هدف به‌روی هدف‌های غیرنظامی، آتش‌گشایی غیرقانونی به‌روی اجتماعات افراد غیرنظامی و تیراندازی و گلوله‌باران ممتد بر روی نواحی شهری و غیرنظامی، تشکیل شده است.

۱ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ۴۹/۱۹۶، قطعنامه ۵۳/۱۶۴؛ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، قطعنامه ۱۹۹۴/۷۲، ۱۹۹۳/۷، ۱۹۹۵/۸۹.

۲ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ۵۳/۱۶۴.

۳ - کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، متحد گزارش ویژه در خصوص وضعیت حقوق بشر در یوگسلاوی سابق.

۴ - کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش در خصوص تجاوز به عنف سازمان‌یافته برده‌داری جنسی و اعمال مشابه برده‌داری در جریان درگیری‌های مسلحانه.

اهداف و تجهیزات ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی مقرر شده است. همچنین استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک ممنوع است. استفاده از سلاح شیمیایی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی به موجب معاهدات متعدد از جمله اعلامیه لاهه راجع به گازهای خفه‌کننده، پروتکل گاز ژنو (۱۹۲۵) کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳) و ماده ۸ (۲) (ب) از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ممنوع شده است.

ممنوعیت استفاده از سلاح بیولوژیک نیز مبتنی بر پروتکل گاز ژنو (۱۹۲۵) و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک (۱۹۷۲) است. این ممنوعیت نسبت به آن دسته از سلاح‌های بیولوژیکی اعمال می‌گردد که بر انسان اثر می‌گذارند. سلاح‌های بیولوژیک با تولید، باکتری، میکروب، ویروس، قارچ و... باعث ایجاد بیماری‌ها یا گسترش آن‌ها می‌شوند. بر اساس اقداماتی که برای حذف سلاح بیولوژیک در طی سه دهه گذشته به عمل آمده، می‌توان نتیجه گرفت که کشورها معتقدند این سلاح نباید وجود داشته باشد و در نتیجه نباید تحت هیچ شرایطی مورد استفاده قرار بگیرد (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۳۹۲/۱).

در مورد سلاح‌های شیمیایی این نکته مهم است که استفاده از گازهای خفه‌کننده، مشابه و به کلیه مایعات مواد یا وسایل با خواص مشابه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در زمره جنایات جنگی محسوب می‌شود.^۱ در پی قضیه حلبچه عراق دولت‌های متعددی اقدام عراق را محکوم کردند. همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸، شورای امنیت سازمان ملل در چندین قطعنامه استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق را محکوم کرد.^۲

۲-۵- لزوم اتخاذ اقدامات احتیاطی در حملات نظامی

همه اقدامات احتیاطی قابل پیش‌بینی به‌منظور اجتناب و به حداقل رساندن تلفات تصادفی غیرنظامیان صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال نظامی باید اتخاذ شوند. ابتدا در ماده (۲) (۳) از کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه رعایت لزوم

باوجوداین، رویه‌های دیگری نیز وجود دارد که شرکت مستقیم غیرنظامیان در درگیری را مورد و بر اساس واقعیات قضیه ارزیابی می‌کنند. به‌عنوان مثال افسران ارتش رواندا غیرنظامیان غیرمسلحی را که در جریان درگیری‌های مسلحانه به نیروهای مسلح خود آذوقه و مهمات رسانده یا پیام‌های ایشان را جابجا می‌کنند، مشمول وضعیت غیرنظامی نمی‌دانستند. دستورالعمل نیروی دریایی آمریکا می‌گوید: احزار موضوع شرکت مستقیم در درگیری‌ها باید حسب مورد بررسی شود. بنابراین رزمندگان واقع در میدان نبرد بایستی با توجه به رفتار شخص، مکان و پوشش او و سایر اطلاعاتی که در آن زمان در دسترس است تصمیم بگیرند که آیا شخص غیرنظامی مشمول حمله عامدانه هست یا خیر؟ (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۹۱/۱). به همین جهت باید گفت مفهوم شرکت مستقیم در درگیری‌ها، تاکنون به‌طور دقیق و مشخص، تبیین نشده است. از سوی دیگر در موارد مشکوکی که نمی‌دانیم فردی نظامی است یا خیر بند ۱ ماده ۵۰ پروتکل الحاقی اوّل می‌گوید در موارد تردید در خصوص غیرنظامی بودن یا نبودن، آن شخص را باید غیرنظامی به حساب آورد. همچنین بند ۲ همین ماده واژه شهروندان غیرنظامی را شامل حال همه افراد غیرنظامی دانسته و بیان می‌دارد چنانچه شک و تردیدی بروز کند باید فرض برخورداری از صفت شهروندی را ارجح دانست.

بنابراین با در نظر گرفتن صدمات و آسیب‌هایی که به یک غیرنظامی ممکن است وارد آید، در موارد مشکوک باید ارزیابی دقیقی نسبت به شرایط و اوضاع حاکم بر موقعیت به عمل آید و رزمندگان تنها زمانی می‌توانند به روی افراد مشکوک آتش بکشایند که اطمینان یابند آن افراد نظامی هستند و یا اینکه شرکت مستقیم در درگیری دارند.

۲-۴- ممنوعیت استفاده از سلاح‌های سمی و کشتار جمعی

ممنوعیت کلی استفاده از گازهای سمی نه‌فقط استفاده از آن‌ها علیه رزمندگان دشمن اعمال می‌شود بلکه به ممنوعیت آلوده کردن تجهیزات ارائه‌کننده آب و مواد غذایی نیز گسترش می‌یابد. این مطلب امروزه صریحاً در مواد ۵۴ (۲) پروتکل الحاقی اوّل و ماده ۱ پروتکل دوم در مورد حمایت از

۱ - اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ماده ۸ (۲) (ب) (۱۸)

۲ - شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۵۸۲، ۵۹۸، ۶۱۲ و ۶۲۰

سیاست دولتمردان دچار آسیب و گزند شده‌اند؛ لذا رعایت حقوق این اشخاص بی‌شک وظیفه همه افراد درگیر جنگ است.

اصل تفکیک میان رزمندگان و غیرنظامیان به‌صراحت در قرآن کریم اعلام شده است. «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند مبارزه کنید و از حد تجاوز نکنید چرا که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». (بقره/۱۹۰) طبق دلالت صریح این آیه جنگ تنها با کسانی جایز است که عملاً درگیر جنگ هستند (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۶۱/۲). آیه الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه می‌گوید: «از این آیه استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان را نباید مورد تهاجم قرارداد زیرا آن‌ها به مقاتله درخواست‌دهند و بنابراین مصونیت دارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲). همچنین ابوالفتوح رازی در ذیل این آیه آورده است: «و لا تعتدوا یعنی تعدی مکنی از آنچه که مشروع است در باب جهاد، و زنان و کودکان و پیران را مکشی و آن را که دست صلح به سوی دراز کرده، به قتل نرسانی که در غیر این صورت تعدی کرده‌ای» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶۹/۳). همچنین تعالیم اسلام در رابطه با استفاده از اسلحه به این نکته توجه می‌کند: «که استفاده بدون هدف از سلاح که ممکن است هم به اهداف نظامی و هم به اماکن غیرنظامی، بدون تشخیص و تمایز اصابت کند ممنوع است؛ بنابراین هر رزمنده با دو نوع تعهد و تکلیف مواجه است. اول آنکه رزمنده را از غیر رزمنده تمییز داده و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم اینکه مواضع و اهداف نظامی را از غیرنظامی جدا کند و فقط به پایگاه‌های نظامی یورش ببرد» (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۸۹). به‌طور کلی باید گفت در مکتب اسلام حق حیات، اصلی‌ترین حق ذاتی هر انسان است که با تحقق آن سخن گفتن از دیگر حقوق موجه است. در آیین اسلام حق حیات به‌عنوان موهبتی الهی و به‌عنوان یک حق اصیل و اولی دیده شده و لزوم آن برای همه انسان‌ها تضمین شده است.

۳-۲- اصل لزوم حمایت از غیرنظامیان

از نظر فقیهان اسلامی اصل حمایت از افراد غیرنظامی امری قطعی و خدشه‌ناپذیر است (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱/۲)؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۹۲/۱۵). از این رو، فقیهان اسلامی اعم از شیعه و سنی «قاعده فقهی» تأسیس کرده‌اند که براساس آن هیچ

اتخاذ اقدامات احتیاطی در حمله مورد توجه قرار گرفت که مطابق آن «اگر به دلایل، نظامی اقدامی فوری علیه اهداف دریایی یا نظامی واقع در شهر یا بندری بی‌دفاع ضرورت یابد و هیچ فرصتی نیز نتوان به دشمن داد در این صورت فرمانده نیروی دریایی باید تمامی تدابیر لازم را برای به حداقل رساندن صدمات به شهر به عمل آورد».

در حال حاضر رویه دولت‌ها این قاعده را به‌منزله یک قاعده عرفی بین‌المللی قابل‌اعمال می‌داند. همچنین این اصل به‌وضوح در ماده (۱۵۷) پروتکل الحاقی اول و نیز در ماده ۳ (۴) پروتکل دوم کنوانسیون سلاح‌های متعارف گنجانده شده است. به‌علاوه قطعنامه مصوب سال ۱۹۷۰ عمومی سازمان ملل متحد درخصوص اصول اساسی حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی در زمان جنگ، مقرر نمود که در «اجرای عملیات نظامی باید تمامی احتیاطات لازم به کار بسته شود تا از ورود هرگونه آسیب و صدمه جانی و مالی به جمعیت‌های غیرنظامی اجتناب گردد»^۱.

براساس آنچه گفته شد، در مفهوم حقوق بشردوستانه یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه صحبت از قواعدی بین‌المللی می‌کند که ناظر بر حقوق انسان‌ها و مسئولیت دولت‌ها در زمان جنگ‌های داخلی یا بین‌المللی است که تکالیفی را به صورت قاعده امره وضع می‌کند که حاکم و ناظر بر حقوق انسان‌ها در زمان مخاصمات مسلحانه است که کاملاً جنبه حقوق بشری دارد که اجرای آن نباید با تبعیضی توأم باشد و چون با توافقات بین‌المللی تحکیم یافته‌اند از ویژگی حقوق بین‌الملل عرفی نیز برخوردار است. این حقوق در تدارک کاهش و محدود کردن آثار درگیری‌های نظامی خشونت‌بار است و از غیرنظامیان و اسراء جنگی حمایت می‌کند و مانع از استفاده از انواع ابزارها و حيله‌های ظالمانه در جنگ‌ها می‌گردد.

۳-۳- حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه

۳-۱- اصل تفکیک میان رزمندگان و غیرنظامیان

اولین قاعده رعایت حقوق بشردوستانه در اسلام تفکیک افراد غیرنظامی از نظامیان است چرا که این افراد هیچ دخالتی در جنگ نداشته و افراد بی‌گناهی به حساب می‌آیند که به خاطر

^۱ - مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ۲۴۴۴ (۲۳).

فرموده‌اند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۱۱). بر همین مبنا فقهایی بزرگوار اسلام نیز به‌صراحت از ممنوعیت استفاده از سم در جنگ سخن گفته‌اند. همچنین برخی از فقها آتش افروختن، ایجاد سیل و باز کردن آب بر روی دشمن، به‌گونه‌ای که منجر به نابودی سرزمین آنان گردد را ممنوع و برخی مکروه اعلام کرده‌اند.

ابن ادریس حلی در این زمینه می‌نویسد: «ایجاد سیل و غرق کردن خانه‌های کفار، گشودن آتش بر روی کفار و پراکندن سم در سرزمین ایشان جایز نیست» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۷/۹). شیخ طوسی در نه‌ایه آورده است: «همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود» (طوسی، ۱۴۰۰: ۵۱/۹). قاضی ابن براج نیز می‌گوید: «رسول خدا (ص) از مسموم کردن شهرهای مشرکان نهی فرمود» (ابن البراج، ۱۴۰۶: ۸۲/۹). مؤلف شرایع الاسلام اعتقاد دارد: «آتش گشودن و باز کردن آب بر سرزمین دشمن جز در موارد ضرورت مکروه است، البته پراکندن سم حرام می‌باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۰۳/۹). نظریه این فقها در راستای قواعد کلی اسلامی است که به‌موجب آن از افراط در کشتار منع شده است. از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه نقل است که «رحم و شفقت کار اولیاء خدا است. اگر می‌کشید، عادلانه بکشید» (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۸۶). اگر به‌کارگیری هر نوع ماده‌ای که موجب مسمومیت افراد، آلودگی آب و ایجاد حالت خفه‌کنندگی است را ممنوع بدانیم، نمی‌توان سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیک را از این امر خارج دانست؛ چراکه فقهایی اسلامی نوع خاصی از سم یا شکل خاصی از آن را مدنظر نداشته‌اند، بلکه به آثار سوء آن توجه کرده‌اند. همچنین جایی که افکندن آتش به دلیل قتل فجیع انسان‌ها و تخریب محیط‌زیست حرام است، به‌طریق‌اولی استفاده از سلاح‌های اتمی و هسته‌ای که قدرت تخریب آن‌ها غیرقابل‌تصور است و تا شعاع وسیعی هیچ موجود زنده‌ای را باقی نمی‌گذارد، غیرمجاز است.

فرد غیرنظامی کشته نمی‌شود: «لا یقتل غیر المقاتل». در کتاب جواهر الکلام آمده است «کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مسأله مخالف باشد. علامه (ره) در تذکره و منتهی، ضمن ادعای اجماع بر این مسأله حدیثی را از امام صادق (ع) در این خصوص نقل کرده است» (نجفی، ۱۴۰۷: ۷۳/۲۱). فقیهان اهل سنت نیز در این باب به اجماع گفته‌اند: «لا یقتل غیر المقاتل» (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۷۹/۵)، غیرنظامی‌ها نباید کشته شوند.

اصل منع حمله به غیرنظامیان، اصل حق حیات غیرنظامیان و منع حمله به آنان که از مهم‌ترین اصول حقوق بشردوستانه اسلامی است، استثنائاتی هم دارد به‌گونه‌ای که اسلام در برخی موارد اجازه حمله به غیرنظامیان را داده است. مهم‌ترین این موارد هنگامی است که دشمن، غیرنظامیان را سپر دفاعی خود قرار داده و پشت سر آن‌ها پناه گرفته و از آنجا به لشکر اسلام ضربه وارد می‌کند. برای مثال دشمن پایگاه هوایی یا موشکی خود را در شهر مستقر کرده یا اینکه در اطراف پایگاه نظامی خود افراد غیرنظامی و بی‌دفاع را اسکان داده است و هیچ راهی برای سرکوب او نیست، در چنین حالتی به‌شرط اینکه نبرد و جنگ با شدت ادامه داشته باشد و پیروزی در جنگ متوقف بر نابودی پایگاه موردنظر باشد، می‌توان به پایگاه نظامی حمله کرد اگرچه موجب کشته شدن غیرنظامیان گردد. در این موارد حتی اگر اسیران مسلمان هم به‌عنوان سپر قرار داده‌شده باشند، اگر عدم حمله به دشمن موجب شکست مسلمانان بشود، حمله مسلمانان جایز است اگرچه موجب کشته شدن برخی از اسیران مسلمان گردد.

۳-۳- ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی و غیرمتعارف

اگرچه در صدر اسلام و عصر معصومین (ع)، سلاح‌های کشتارجمعی وجود نداشته است، اما با روش‌های مشابهی مانند پراکندن سم در شهرها و سرزمین مشرکین، امکان خسارت زدن به نیروهای نظامی و غیرنظامی دشمن وجود داشته است. باین‌حال، ائمه معصومین (ع)، نه‌تنها از چنین روش‌هایی استفاده نکرده‌اند بلکه نیروهای خود را نیز از انجام چنین کارهایی بر حذر داشته‌اند. از حضرت علی (ع) روایت‌شده است که آن بزرگوار فرموده‌اند: «پیامبر گرامی اسلام (ص) از پراکندن سم و زهر در سرزمین و شهرهای مشرکان نهی

۴- اشخاص غیرنظامی موردحمایت در مخاصمات مسلحانه در حقوق بشردوستانه

احترام به فرد انسانی، خصیصه غیرقابل انتقال بودن حقوق بنیادین او می‌باشد.^۱ با هر فردی، در هر زمانی باید با انسانیت رفتار شود و مخصوصاً در برابر هرگونه عمل قاهرانه یا تهدیدآمیز، توهین و تجسس در کلیه امور از او حمایت شود، اصل مذکور دارای پیامدهای زیر است: اول، ممنوعیت هرگونه اعمال فشار جسمانی یا روانی به‌ویژه در جهت کسب اطلاعات؛^۲ دوم، ممنوعیت آزار و اذیت بدنی و شکنجه؛ سوم، ممنوعیت مجازات‌های دسته‌جمعی چپاول یا اقدامات تلافی‌جویانه علیه افراد و اموال غیرنظامی و گروگان‌گیری آن‌ها؛^۳ چهارم، در اختیار داشتن تسهیلات لازم جهت مراجعه اشخاص تحت حمایت به قدرت‌های حامی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و ...^۴ پنجم، هر فردی که در قلمرو یکی از متخاصمان یا در قلمرو اشغال‌شده از سوی او به سر می‌برد می‌تواند به اعضای خانواده خود که در مکان دیگری به سر می‌برند اخباری دهد که دارای خصیصه کاملاً خانوادگی است و همچنین اخباری را دریافت کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۱۲۳ - ۱۲۴). علی‌رغم بهبود حمایت عام از افراد غیرنظامی، برخی طبقات افراد از حمایت خاص و فزاینده‌ای برخوردارند که عبارت‌اند از:

۴-۱- بیگانگان و پناهندگان

بیگانگانی که در قلمرو یکی از متخاصمان به سر می‌برند حق ترک آنجا را دارند مگر آن‌که عزیمت آن‌ها مخالف مصالح ملی کشور محل اقامت آن‌ها باشد. (ماده ۳۵ عهدنامه چهارم ژنو) بیگانگان را می‌توان مجبور به کار کردن نمود؛ البته در همان وضعیت و شرایطی که برای کار اتباع آن کشور وجود دارد. اجبار اتباع دشمن به کارهایی که در رابطه با عملیات نظامی باشد مجاز نیست (مواد ۳۹ و ۴۰ عهدنامه چهارم).

پناهندگان کسانی هستند که حوادث و یا آزار و اذیت‌ها انسان را در جهت یافتن پناهگاه در یک سرزمین دیگر، مجبور به

ترک میهنشان کرده است. زمانی که کشور پناه دهنده با کشور متبوع شخص پناهنده وارد جنگ می‌شود، شخص پناهنده ازجمله افراد دشمن محسوب می‌شود (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

اتباع و شهروندان یک کشور بی‌طرف که در اثر حملات دشمن کشور محل اقامتشان دچار رنج و زیان می‌شوند، ممکن است مستقیماً موردحمله آن‌ها قرار گرفته باشند و یا این‌که به‌طور غیرمستقیم از حملات آن‌ها آسیب‌دیده باشند مثلاً مخصوصاً رهاشده باشند تا مورد حملات و بمباران‌های هوایی قرار گیرند (شفیعی و هنجی، ۱۳۹۲: ۲۱). از دیدگاه کلی بشری نمی‌توان گفت که کدام‌یک از سه طبقه رنج‌دیده مذکور کمتر یا بیشتر نیاز به توجه دارند. اوضاع و احوال سیاسی است که دو گروه اول و دوم را بیشتر تحت حفاظت کنوانسیون ژنو قرار می‌دهد. همه آنچه که در بالا ذکرشده به‌عنوان زیان‌دیدگان و رنج‌دیدگان از اشغال نظامی بوده که از سوی اکثر کشورهای اروپایی، نمایندگانی به کنفرانس‌های سال‌های ۹-۱۹۴۷ فرستاده شدند تا با اصرار زیاد یک قانون جدید برای حفاظت شهروندان و افراد غیرنظامی وضع شود.

۴-۲- زنان و کودکان

طبق ماده ۲۷ عهدنامه چهارم، زنان مخصوصاً در برابر هرگونه لطمه به شرافتشان و به‌ویژه در برابر تجاوز، اجبار به فحشا و هرگونه هتک حرمت موردحمایت قرار گرفته‌اند. در صورت محرومیت از آزادی باید در مکان‌هایی جدا از مردان نگهداری شوند (ماده ۷۶ عهدنامه چهارم و بند ۵ ماده ۷۵ پروتکل شماره ۱ و بند ۲۶ ماده ۵ پروتکل شماره ۲).

علاوه بر حمایت عام، کودکان به دلیل آسیب‌پذیر بودن از حمایت خاصی که جنبه تکمیلی و اضافی دارد برخوردار می‌گردند. به تصریح بند اول ماده ۷۷ پروتکل اول، کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیرمحترمانه حمایت شوند. طرف‌های مخاصمه مراقبت و کمکی که کودکان خواه به علت سن و یا به هر علت دیگر به آن نیاز دارند، برای آنان فراهم نمایند. کودکان تصویر کاملاً نمایانی از قربانیان بی‌گناه را ارائه می‌دهند که مخصوصاً باید موردحمایت قرار گیرند. طبق ماده ۲۴ عهدنامه

۱ - ماده ۳۵ کنوانسیون چهارم مصوب ۱۹۴۶.

۲ - ماده ۳۱ کنوانسیون چهارم مصوب ۱۹۴۶.

۳ - ماده ۳۴ کنوانسیون چهارم مصوب ۱۹۴۶.

۴ - ماده ۲۵ و ۲۶ کنوانسیون چهارم مصوب ۱۹۴۶.

دارد؟ این‌ها از شما بهترند؛ زیرا این‌ها هنوز بر فطرت پاک خود هستند؛ مگر شما فرزندان مشرکان نبودید؟ هرگز کودکان را نکشید، هرگز. با توجه به آنچه گذشت، کودکان از مصونیت کامل بهره‌مند هستند، مگر هنگامی که این کودکان در پیشبرد جنگ مؤثر باشند و همانند اتباع، دشمن مشغول جنگیدن و کارزار نظامی باشند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۴۹). به عبارتی دیگر اصل بر حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه است مگر زمانی که در پیشبرد اهداف نظامی به‌عنوان مباشر اقدام مؤثر نموده باشد.

۵-۲- زنان

از آنجاکه در جنگ‌ها زنان بسیار آسیب‌پذیرند، در حقوق اسلام برای آنان مصونیت و حمایت‌های ویژه پیش‌بینی شده است. چنین مسأله‌ای در روایات اسلامی و گفتار فقیهان اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و فقها مصونیت ویژه‌ای را برای زنان قائل شده‌اند: «برخی از فقیهان شیعه در مورد جواز کشتن زنان در جنگ حتی در صورتی که در جبهه شرکت کرده و رزمندگان خود را یاری بدهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند تردید کرده کرده‌اند» (نجفی، ۱۹۸۱: ۷۳/۲۱-۷۴). کودکان، زنان، پیرمردان و افراد خنثای مشکله حتی اگر در جنگ شرکت داشته باشند نمی‌توان آنان را به قتل رساند. دلیل مطلب مزبور برخی روایات اسلامی است از جمله روایتی از امام صادق علیه‌السلام به نقل از حضرت پیامبر اکرم (ص) است که فرمود حتی اگر زنی در جنگ شرکت کند، تو از کشتن وی تا می‌توانی چشم‌پوشی کن (نگهداری، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۸). نمونه دیگری از رفتار پیامبر اکرم (ص) که در زمینه مصونیت و حمایت از زنان به‌عنوان افراد غیرنظامی قابل‌ذکر است می‌توان به موردی اشاره نمود که در آن «حضرت چون از غزه حنین باز می‌گشت، زنی را کشته دید، فرمود: این را کی کشته است؟ گفتند خالد بن ولید. فرمود: او را بگویند که پیامبر تو را نهی می‌کند از آن که کودکی یا زنی یا مزدوری از آن کافران را بکشی» (حسینی ژرفا، ۱۳۸۵: ۱۳۳). از دستورات اکید امام علی (ع) در جنگ‌ها نیز آن بود که تحت هیچ شرایطی به زنان تعرض نکنید حتی اگر به شما و فرماندهانتان دشنام دهند (شهیدی، ۱۳۷۱: نامه ۱۴). بر اساس آنچه گفته شد، مطابق دیدگاه

چهارم طرفین متخاصم باید تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا کودکان کمتر از پانزده سال که یتیم می‌شوند و یا از خانواده خود جدا می‌افتند به حال خود رها نشوند و در هر شرایطی تسهیلات لازم جهت نگهداری و انجام فرایض مذهبی و تربیتی آنان فراهم شود. کودکان زیر پانزده سال نباید به‌عنوان سرباز یا عضو نیروهای مسلح به کار گرفته شوند ولی در صورت شرکت در جنگ و اسارت مورد حمایت خاص قرار می‌گیرند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۹).

هرچند جنگ و مخاصمات مسلحانه از عرصه بین‌المللی و بین‌الدولی به داخل مرزهای کشورهای و یا همسایگان مشترک‌المرز تحدید یافته است لکن آثار مخرب آن باوجود تمامی تلاش‌های حقوقی، بین‌المللی و بشردوستانه همچنان پابرجا و دیرپا است؛ اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۵۹-پروتکل الحاقی به آن ۱۹۷۷، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و پروتکل اختیاری آن ۲۰۰۱-۲۰۰۰، اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از مهم‌ترین اسناد حقوق بین‌الملل هستند که هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق کودکان در زمان جنگ را منع می‌نمایند.

۵- اشخاص غیرنظامی مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه در فقه

۵-۱- کودکان

کودکان و نوجوانان معمولاً در جنگ‌ها و نزاع‌ها بسیار آسیب‌پذیر بوده و بیشترین صدمات جسمی و روحی متوجه آنان خواهد بود به همین دلیل در فقه مورد حمایت قرار گرفته‌اند: «همانا رسول خدا (ص) از قتل زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرده است، مگر اینکه این عده مشغول جنگیدن باشند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۴۷/۱۱). در همین راستا لازم به ذکر است که در یکی از حادثه‌ها به پیامبر صلی‌الله علیه و آله گزارش دادند که دختری را از میان صف‌ها کشته‌اند. پیامبر شدیداً ناراحت شد. اصحاب عرض کردند: یا رسول‌الله! چرا ناراحت شدید؟ او دختر یکی از مشرکان و کفار بود پیامبر از شنیدن این حرف خشمناک شد و فرمود: این حرف معنی

پیامبر و حضرت علی (ع) کشتن زنان و کودکان در دارالحرب ممنوع است حتی اگر آنان وارد جنگ شده‌اند.

۵-۳- بیماران

در حقوق اسلام بیماران از مصونیت کامل بهره‌مندند. منظور از بیماران، مفهوم عام آن است، به گونه‌ای که شامل زخمی‌های دشمن هم می‌شود. زخمی‌های دشمن که به دلیل جراحت، قادر به جنگیدن نیستند، از هرگونه تعرض و آسیب نیروهای نظامی در امان می‌باشند و این مسأله مورد سفارش پیشوایان اسلام بوده است؛ لکن این مصونیت و حمایت‌های ویژه مشروط بر آن است که این عده در وضعیت جدید در جبهه به نفع دشمن حضور و مشارکت جسمی و فکری نداشته باشند؛ چه این که هرگونه مشارکت در کارزار نظامی آنان را به‌عنوان یک سرباز دشمن قرار می‌دهد (نجفی، ۱۴۰۷: ۸۵/۲۱). اشخاصی که دیگر نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به مشارکت در درگیری ادامه دهند، این حق را دارند که از حیات و تمامیت جسمی و ذهنی‌شان حمایت شود. چنین اشخاصی باید در هر شرایطی حمایت شوند و بدون هیچ‌گونه تبعیض به شکلی انسانی با آن‌ها رفتار شود. کشتن و زخمی کردن دشمنی که در حین جنگ تسلیم شده یا سلاح بر زمین گذاشته ممنوع بوده و مجروحان و بیماران باید جمع‌آوری شوند و کشوری که آن‌ها را در اختیار دارد باید از آن‌ها مراقبت کند.

ازجمله افراد دارای مصونیت، زمین‌گیرها و نابینایان هستند لکن سزاوار است این حکم تقیید بخورد به آنجایی که این عده دارای اندیشه جنگی نباشند و در جنگ نیز مشارکت نداشته باشند و نیز ضرورتی برای کشتن آنان وجود نداشته باشد، مثل آنجایی که دشمن از این عده به‌عنوان سپر جنگی استفاده کرده است (فیروزی، ۱۳۹۲: ۷۶).

بر اساس آنچه گفته شد در منابع فقهی نیز مانند قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از حمایت انسانی از غیرنظامیان، کودکان و افراد بیمار سخن به میان آمده و در این مسیر کاملاً همسو با کنوانسیون‌های ژنو و لاهه است و تلاش دارد که حمایت ویژه‌ای از حقوق بشردوستانه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ بخش قابل‌توجهی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اسلامی را تشکیل می‌دهد. اصل عام احترام به کرامت ذاتی انسان، اساس و مبنای حمایت از غیرنظامیان در اسلام و اسناد بین‌المللی به‌عنوان یک اصل مشترک قابل‌ذکر است. حمایتی بودن، محور معاهدات بشردوستانه بین‌المللی و قوانین اسلامی است. هدف و کارکرد اصلی این قوانین و معاهدات، حمایت از انسان‌ها است و این یکی دیگر از نقاط مشترک دو نظام است، هرچند ممکن است شیوه‌های حمایت تا حدودی متفاوت باشد؛ بااین‌حال اصل انسانیت و حمایت از او پایه نهایی تعهد در نظام‌های حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اسلامی است.

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی یکی از مهم‌ترین راهبردها و سازوکارهای مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان در مخاصمات مسلحانه رعایت اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان است. در حقیقت حقوق بین‌الملل در مورد افرادی که در درگیری‌های مسلحانه شرکت کرده یا به‌وسیله آن متأثر شده‌اند، میان رزمندگان و غیرنظامیان تفکیک و تمایز قائل می‌شود. اهمیت رعایت اصل تفکیک برای جامعه بین‌المللی در حال حاضر به درجه‌ای رسیده است که طبق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (مصوب ۱۹۹۸)، حمله عمدی علیه غیرنظامیان یا علیه افراد غیرنظامی که در درگیری‌ها شرکت مستقیم ندارند در هر دو حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی، جنایت جنگی محسوب می‌شود.

در اسناد متعدد بین‌المللی برای مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار غیرنظامی سازوکارهایی اندیشیده شده است. اسلام، با توجه به لزوم رعایت حال افراد غیرنظامی (مخصوصاً زنان و کودکان) همه افراد را از تعرض به ایشان منع کرده و از به‌کارگیری سلاح‌هایی که اثرات زیان‌بار و غیر محدود دارند، جلوگیری نموده است و در یک‌کلام همان‌طوری که جنگ تجاوزکارانه را ممنوع کرده است، تجاوز و تعدی در جنگ را نیز محکوم نموده است. در نظام حقوقی اسلام نیز افراد غیرنظامی همچون سالخورده‌گان بیماران و مجروحان،

- السرخسی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). *شرح السیر الکبیر*. جلد چهارم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- آنتونی، راجرز و مالرب، پل (۱۳۸۲). *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آنتونی، راجرز و مالرب، پل (۱۳۸۸). *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد یازدهم، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- حسینی ژرفا، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵). *جهاد و حقوق بین‌الملل*. چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شفیعی، نگین و هنجنی، علی (۱۳۹۲). *ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۱). *نهج‌البلاغه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- شیایزری، کیتی و ساک، کریانگ (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴). *اسلام و حقوق بین‌الملل*. چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵). *حقوق جنگ* چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۰). *تفسیرالمیزان*. جلد دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط*. جلد دوم، نجف: المکتبه المرتضویه.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه والقنوی*. جلد نهم، بیروت: دارالکتب العربیه.
- عظیمی شوشتی، عباسعلی (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل اسلام شوشتی*. چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.

روحانیون و عبادت‌کنندگان، نمایندگان و شهروندان غیرنظامی دشمن در سرزمین مسلمانان و به‌ویژه زنان و کودکان در پناه مصونیت نظامی قرار دارند. به هر ترتیب، حمایت از زنان در زمان جنگ به‌عنوان غیرنظامیان بخش قابل‌توجهی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و منابع اسلامی را تشکیل می‌دهد. این دو نظام هم در بخش مبانی فلسفی و هم در بخش اصول حمایتی حاکم بر حقوق غیرنظامیان و هم در بخش افراد تحت حمایت خاص ازجمله زنان، دارای وجوه مشترک بسیاری هستند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: مقاله حاضر تماماً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از همه کسانی که در نگارش این مقاله نویسنده را یاری نموده‌اند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر*. جلد نهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن البراج، عبدالعزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد نهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابوالفتح‌رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقرآن*. جلد سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اخلاقی، ابوالفتح و رشنودی، حجت‌الله (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی». *مجله مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۲(۳): ۷۱-۹۸.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی. جلد پنجم، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فریم، مارک (۱۳۸۳). «حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی». نشریه اطلاع‌رسانی حقوقی، (۱۰): ۱۶-۴۲.
- فلک، دیترو و دیگران (۱۳۸۷). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه. چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.
- فیروزی، مهدی (۱۳۹۱). «حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه». مجله فقه، ۱۹(۴): ۳۸-۷۱.
- فیروزی، مهدی (۱۳۹۲). «لایقتل غیرالمقاتل (قاعده فقهی مصونیت غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه)». مجله کاوشی نو در فقه، ۲۰(۴): ۴۳-۶۳.
- فیض کاشانی، محمد بن حسن (۱۴۰۶). الوافی. جلد پانزدهم، اصفهان: مکتب امیرالمؤمنین علی (ع).
- قاسمی، غلامعلی و باقر زاده، سجاد (۱۳۹۲). «حقوق بشردوستانه و حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی»، مجله مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۳: ۱۱-۳۸.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کمیته ملی حقوق بشردوستانه، (۱۳۸۱). آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی. چاپ اول، تهران: انتشارات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی.
- ماندگار، مهرگان (۱۳۸۹). «حقوق جنگ». نشریه حقوق د/دنامه، ۵: ۴۶.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد نهم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی و رهیافت اسلامی. چاپ دوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۷). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام. جلد بیست و یکم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نگهداری، عوض (۱۳۸۶). «جنگ غیرنظامیان و حقوق بشردوستانه در اسلام». مجله معرفت، ۱۱۸(۷): ۳۸-۳۹.
- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس، (۱۳۸۷). حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی. ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.